

تنگه هرمز؛ شریان راهبردی جهان اسلام و ضرورت شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای مستقل



تحولات چند دهه اخیر غرب آسیا نشان داده است که رقابت بر سر آبراه‌های راهبردی تنها یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه مستقیماً با امنیت، استقلال سیاسی و آینده ملت‌های منطقه گره خورده است. در این میان، تنگه هرمز به عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان، جایگاهی فراتر از یک مسیر تجاری دارد و باید آن را یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت ژئوپلیتیکی جهان اسلام دانست.

اهمیت تنگه هرمز تنها در عبور میلیون‌ها بشکه نفت و حجم عظیمی از تجارت جهانی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه این آبراه در واقع یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارندگی و موازنه قدرت در منطقه به شمار می‌رود. هرگونه تغییر در معادلات امنیتی این منطقه می‌تواند آثار مستقیم و گسترده‌ای بر اقتصاد جهانی، امنیت انرژی و ثبات سیاسی کشورهای اسلامی برجای بگذارد.

یکی از چالش‌های مهم جهان اسلام در دهه‌های اخیر، نگاه جزیره‌ای برخی دولت‌های منطقه به مسائل راهبردی بوده است. در حالی که بسیاری از قدرت‌های فرامنطقه‌ای با نگاهی کلان به آبراه‌ها، بنادر و مسیرهای انتقال انرژی می‌نگرند، برخی کشورهای منطقه هنوز این مسائل را صرفاً از منظر منافع

کوتاه مدت اقتصادی یا رقابت های سیاسی محدود ارزیابی می کنند. نتیجه چنین رویکردی آن است که ظرفیت های عظیم ژئوپلیتیکی جهان اسلام به جای آنکه در خدمت اقتدار جمعی مسلمانان قرار گیرد، گاه به ابزاری برای مداخله و نفوذ قدرت های خارجی تبدیل می شود.

واقعیت آن است که تسلط قدرت های خارجی بر جریان های حیاتی منطقه، صرفاً به معنای حضور نظامی در یک آبراه نیست؛ بلکه به معنای امکان اعمال فشار سیاسی، اقتصادی و امنیتی بر تمامی کشورهای منطقه است. تجربه دهه های گذشته نشان داده است هرگاه مدیریت امنیت منطقه از دست کشورهای بومی خارج شده، هیچ یک از دولت های اسلامی از پیامدهای آن مصون نمانده اند. ناامنی، وابستگی اقتصادی، مسابقه تسلیحاتی و کاهش استقلال سیاسی، از جمله نتایج چنین وضعیتی بوده است.

از این منظر، امنیت تنگه هرمز نباید صرفاً مسئله یک کشور تلقی شود، بلکه موضوعی مرتبط با امنیت جمعی جهان اسلام است. همان گونه که ناامنی در این آبراه می تواند همه کشورهای منطقه را متضرر کند، وابستگی امنیت آن به قدرت های خارجی نیز در نهایت منافع بلندمدت همه ملت های مسلمان را با تهدید مواجه خواهد ساخت.

نکته مهم آن است که آینده منطقه نه در سایه رقابت های فرسایشی میان کشورهای اسلامی، بلکه در گرو شکل گیری سازوکارهای بومی امنیتی و همکاری های راهبردی میان دولت های منطقه است. هر اندازه کشورهای اسلامی بتوانند در مدیریت آبراه های راهبردی، امنیت انرژی و مقابله با تهدیدات خارجی به تفاهم و همکاری بیشتری دست یابند، امکان مداخله بازیگران بیرونی کاهش یافته و زمینه های توسعه و ثبات پایدار فراهم خواهد شد.

امروز تنگه هرمز صرفاً یک گذرگاه دریایی نیست؛ نمادی از استقلال منطقه، توان بازدارندگی جهان اسلام و ظرفیت ملت های مسلمان برای تأمین امنیت خویش است. غفلت از این واقعیت می تواند به تضعیف موقعیت راهبردی کشورهای اسلامی بینجامد، اما توجه به آن می تواند زمینه ساز شکل گیری نظم منطقه ای مبتنی بر همکاری، عزت و منافع مشترک امت اسلامی باشد.

امید علی پور

